

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه فردوسی مشهد
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

ارتداد صحابه از منظر اهل سنت

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علیرضا کهنسال

استاد مشاور:

جناب استاد حجت الاسلام علی حسینی شریف

نگارش:

زهرا راستگو

تابستان ۱۳۹۷

تاییدیه دفاع

تقدیم

اشکی بود مرا که به دنیا نمی دهم
این است گوهری که به دریا نمی دهم
عمری بود که گوشه نشین محبتم
این گوشه را به وسعت دنیا نمی دهم
در سینه ام جمال علی نقش بسته است
این سینه را به سینه ی سینا نمی دهم
سرمایه ی محبت زهراست دین من
من دین خویش را به دو دنیا نمی دهم
گر مهر و ماه را به دو دستم نهد قضا
یک ذره از محبت زهرا نمی دهم

تحفه‌ای ناقابل تقدیم به: بانوی عترت، غایت خلقت، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

تشر و قدر دانی

مهر و لطف بی دریغ دادوند یگانه را که لحظه‌ای پیمانہ وجودم را از مهربانی اش تھی نگذاشت.

در ابتدا لازم می‌دانم مراتب سپاس و قدر دانی خود را نسبت به همه عزیزانی که در تکمیل این پایان‌نامه من را یاری داده‌اند ابراز نمایم. بدین وسیله از زحمات اساتید محترم راهنما جناب آقای دکتر علیرضا کهنسال و همچنین استاد مشاور جناب استاد حجت الاسلام حسینی شریف قدر دانی نمایم.

این عزیزان نه تنها مرا در مسیر پایان‌نامه راهنمایی و هدایت نمودند، بلکه به عنوان الگویی در تفکر علمی و رفتار حرفه‌ای قرار گرفتند.

امیدوارم این پژوهش خدمتی هر چند کوچک به جامعه علمی کشور باشد.

چکیده

حدیث جدایی برخی از صحابه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر حوض کوثر، و ارتداد آنان، از روایاتی است که نزد اهل سنت تواتر معنوی دارد. این حدیث، به صراحت برخی از صحابه مشهور را مرتد می‌داند و چون با قراین دیگر اثبات می‌گردد که مراد ارتداد فقهی نیست؛ پس مراد حبط باطنی اعمال در قیامت است و عملی که موجب ارتداد معنوی شده؛ ترک ولایت است. اهل سنت به دفاع‌های متعددی روی آورده‌اند که جملگی آنها در این نوشتار بررسی و نقد شده است. رایج‌ترین دفاع آن است که مراد از اصحاب در حدیث؛ اهل رده بوده‌اند و آشکار است که اهل رده نام صحابی ندارند و اگر داشته باشند نیز، نظریه عدالت صحابه مخدوش است. افزون بر اشکالات و پاسخ‌ها در باب حدیث؛ تمسک اهل سنت به آیات نیز مورد بحث قرار گرفته است و بفرجام؛ سخنی در باب اهل رده و حقیقت تاریخی آنان به میان آمده است تا افزون بر پژوهش‌های نظری؛ با نگاه به حقایق تاریخی نیز آشکار شود که مرتدان روایت به هیچ‌رو اهل رده نبوده‌اند؛ بلکه مصداق آنان همه کسانی هستند که ولایت را انکار کرده‌اند.

کلید واژه: حدیث حوض، صحابه، ارتداد، اهل سنت، ولایت.

فهرست

۷مقدمه
۷تعریف مسأله و تبیین موضوع
۸پیشینه تحقیق
۸پرسش‌های اساسی پژوهش
۸فرضیه‌ها یا پاسخ‌های احتمالی پژوهش
۱۰ضرورت پژوهش و هدف
۱۰روش انجام پژوهش
۱۰ساختار و بدنه اصلی پژوهش
۱۱محدودیت‌های پژوهش
۱۲فصل اول: کلیات
۱۳۱-۱- ارتداد و احکام آن
۱۳۱-۱-۱- مفهوم ارتداد
۱۴۱-۱-۲- تعریف اصطلاحی ارتداد
۱۵۱-۱-۳- اقسام ارتداد
۱۵۱-۱-۴- راه‌های اثبات ارتداد
۱۶۱-۱-۵- کیفر ارتداد
۱۷۱-۱-۶- مرتد از دیدگاه فقها
۱۷۱-۱-۶-۱- کیفرهای مرد مرتد از نظر حنفیه
۱۸۱-۱-۶-۲- کیفرهای زن مرتد از نظر حنفیه
۱۸۱-۱-۶-۳- کیفرهای مرد مرتد از نظر مالکیه
۱۸۱-۱-۶-۴- کیفرهای زن مرتد از نظر مالکیه
۱۹۱-۱-۶-۵- کیفرهای مرتد از نظر شافعیه
۱۹۱-۱-۶-۶- کیفرهای مرتد از نظر حنابله
۱۹۱-۱-۷- نتیجه‌گیری

۲۰	۲-۱-تواتر.....
۲۰	۳-۱-خبر متضافر.....
۲۰	۴-۱-قیاس مقاومت.....
۲۱	۵-۱-قیاس معارضه.....
۲۱	۶-۱-صحابی.....
۲۲	فصل دوم: روایات ارتداد صحابه بعد از رحلت پیامبر ﷺ در منابع فریقین.....
۲۳	ارتداد صحابه.....
۲۳	۱-۲-حدیث حوض در منابع اهل سنت.....
۲۶	۲-۲-حدیث حوض در منابع شیعه.....
۲۸	۳-۲-دلالت احادیث.....
۲۸	۴-۲-مدعای شیعه.....
۲۹	۱-۴-۲-منظر منطقی بحث.....
۳۲	۵-۲-نظر شارحان درباره مصداق اصحاب.....
۳۲	۱-۵-۲-اهل رده.....
۳۳	۱-۱-۵-۲-نقد صدق روایات ارتداد بر اهل رده.....
۳۵	۲-۵-۲-اهل کبائر.....
۳۶	۳-۵-۲-منافقان.....
۳۹	۴-۵-۲-بدعت‌گذاران.....
۴۰	۵-۵-۲-اصحاب معروف و برجسته.....
۴۱	۶-۲-عدالت صحابه.....
۴۳	۱-۶-۲-تعریف صحابه از منظر اهل سنت.....
۴۵	۲-۶-۲-صحابه از منظر صحابه.....
۴۶	۳-۶-۲-حصول تدریجی عدالت.....
۴۷	۴-۶-۲-قرآن کریم و عدالت صحابه.....
۴۷	۱-۴-۶-۲-خبر ارتداد گروهی از صحابه در قرآن.....

۴۸ ۲-۴-۶-۲-خیانت بعضی از اهل بدر
۴۹ ۲-۴-۶-۳-فاسقی فریبکار
۵۰ ۲-۴-۶-۴-منافقان نفوذی در بین صحابه
۵۱ ۲-۴-۶-۵-سنت نبوی و عدالت صحابه
۵۱ ۲-۴-۶-۱-سردسته گروه تبهکار
۵۲ ۲-۴-۶-۲-بازگشت به قهقرا پس از رحلت پیامبر ﷺ
۵۴ فصل سوم: آیات ارتداد در قرآن
۵۵ تمهید
۵۶ ۳-۱-تقسیم بندی آیات ارتداد
۵۶ ۳-۱-۱-آیاتی که لفظ «ارتداد» در آن ذکر شده است
۵۷ ۳-۱-۲-آیاتی که لفظ «ارتداد» در آن‌ها ذکر نشده است
۵۸ ۳-۲-بررسی آیات
۶۲ ۳-۲-۱-موضع رازی
۶۲ ۳-۲-۱-معرفی اهل رده
۶۳ ۳-۲-۲-بیان اقوال در تفسیر آیه
۶۴ ۳-۲-۳-دلایل رازی
۶۶ ۳-۲-۲-دلایل رازی در محک نقد شوشتری
۶۶ ۳-۲-۱-۲-فراز «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ»
۶۷ ۳-۲-۲-۲-قول اهل یمن و قوم ابو موسی
۶۸ ۳-۲-۲-۴-سلمان و یارانش
۶۸ ۴-۲-۲-۴-پاسخ به دعاوی رازی
۷۵ ۳-۲-۲-۵-نتیجه گیری
۷۶ ۳-۲-۳-نظر علامه طباطبایی
۷۶ ۳-۲-۱-۳-توضیح فرازهای آیه
۷۸ ۳-۲-۳-۲-رأی علامه در تعیین مصداق آیه

۸۰	۳-۲-۴-پیام تفاسیر.....
۸۲	۳-۲-۵-بررسی نهایی فرازهای آیه.....
۸۲	۳-۲-۵-۱-فسوف یأتی الله بقوم.....
۸۵	۳-۲-۵-۲-یحیهم و یحبونه.....
۸۷	۳-۲-۵-۳-أذلة على المؤمنین أعة علی الکافرین.....
۸۹	۳-۲-۵-۴-یجاهدون فی سبیل الله و لایخافون لومة لائم.....
۹۰	۳-۲-۵-۵-ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء.....
۹۳	فصل چهارم: بررسی تاریخی.....
۹۴	۴-۱-۱-اهل رده.....
۹۵	۴-۱-۱-۱-نکاتی درباره ی مانعین زکات.....
۹۷	۴-۱-۲-خالد بن ولید.....
۹۹	۴-۱-۳-مالک بن نویره.....
۱۰۰	۴-۱-۴-واقعه ی قتل مالک ابن نویره.....
۱۰۲	۴-۱-۵-دفاع ابی بکر از جنایات خالد بن ولید.....
۱۰۳	۴-۲-واقعه قتل مالک بن نویره در کتب تاریخ و سیره اهل سنت.....
۱۰۵	۴-۲-۵-امتاع الاسماع مقریزی و الاستیعاب ابن عبدالبر.....
۱۰۵	۴-۲-۶-تاریخ خلیفه و تاریخ ابن خلدون.....
۱۰۶	۴-۲-۷-الرده واقدی.....
۱۰۷	۴-۲-۸-تاریخ یعقوبی.....
۱۰۷	۴-۲-۹-اسدالغابه ابن اثیر.....
۱۰۸	فصل پنجم: ارتباط امامت و دین.....
۱۰۹	تمهید.....
۱۱۰	توحید از دیدگاه شیعه و اهل سنت.....
۱۱۰	۵-۱-معنای توحید و اقسام آن.....
۱۱۱	۵-۱-۱-توافق فریقین در توحید ذاتی.....

- ۱۱۲.....۲-۵-جایگاه امامت در دین.....
- ۱۱۳.....۱-۲-۵-حدیث من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة.....
- ۱۱۳.....۱-۲-۵-متن و مرجع حدیث.....
- ۱۱۴.....۱-۲-۵-دیدگاه شیعه.....
- ۱۱۵.....۱-۲-۵-دیدگاه اهل سنت.....
- ۱۱۷.....۳-۵-نظریه "امامت از اصول مذهب".....
- ۱۱۸.....۱-۳-۵-استدلال به آیات قرآن.....
- ۱۱۸.....۱-۳-۵-نقد و بررسی استدلال به آیه تبلیغ.....
- ۱۱۹.....۲-۳-۵-استدلال به روایات دال بر کفر و ارتداد مخالفان.....
- ۱۲۰.....۱-۲-۳-۵-نقد استدلال به روایات کفر مخالفان.....
- ۱۲۰.....۱-۲-۳-۵-فرق بین کفر مقابل اسلام و کفر مقابل ایمان.....
- ۱۲۲.....۲-۳-۵-۱-۲-روایات معارض.....
- ۱۲۳.....۲-۳-۵-نقد استدلال به روایات ارتداد مخالفان.....
- ۱۲۵.....۳-۳-۵-استدلال به ضرورت و نقد آن.....
- ۱۲۶.....۴-۳-۵-استدلال به اجماع و نقد آن.....
- ۱۲۷.....۴-۵-نظریه امامت از اصول مذهب.....
- ۱۳۰.....منابع.....

مقدمه

تعریف مسأله و تبیین موضوع

یکی از اموری که شیعه پیوسته به آن متهم بوده این است که بغض و کینه خود از صحابه را مخفی می‌کند. وقتی این تهمت را واقع‌بینانه و به دور از هر گونه تعصب بررسی کنیم آن را بسیار دور از حقیقت می‌یابیم؛ زیرا شیعه برای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اصحاب گرامی ایشان احترام کامل قائل است؛ البته هر کسی را به صرف دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله یا مصاحبت ولو طولانی مدت؛ شایسته اکرام و ایمان نمی‌داند. شیعه به تقوی و ایمان و عدالت همه صحابه باور ندارد. اثبات این امر که همه صحابه ایمان واقعی نداشته‌اند؛ از راه‌های گوناگونی میسر است؛ اما بهترین راه آن است که از مدارک خود اهل سنت استفاده شود. آشکار است که اگر اعتقاد شیعه اثبات شود؛ اهل سنت واقعی نیز با شیعه مخالفت نخواهند داشت. در مدارک اهل سنت دسته‌ای از احادیث وجود دارد که بر مقصود شیعه دلالت می‌کند. برای دستیابی به تصویری روشن از این موضوع مناسب است مروری به احادیث حوض کوثر داشته باشیم. روایات زیادی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله به ثبت رسیده که بیانگر آن است که صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله در روز قیامت به حوض کوثر هجوم می‌برند تا بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده و خود را از آب کوثر سیراب سازند، اما تنها شمار اندکی از آنان پذیرفته شده و بخش اعظم آنان، رانده شده و فرشتگان عذاب، آنان را به طرف جهنم می‌برند. آنان با مشاهده این وضعیت، پیامبر صلی الله علیه و آله را به یاری می‌طلبند، و پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله با هدف حمایت از آنان، علت این امر را جویا می‌شود؛ از جانب خداوند به آن حضرت خطاب می‌شود: آنان پس از درگذشت تو، بدعت گذارده، و این اقدام آنان، به ارتدادشان منتهی گشته است. این پیام الهی موجب می‌شود تا پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آنان را نفرین نموده و از خود دور سازد. موضوع پژوهش کنونی؛ بررسی این روایات و دلالت آن‌هاست. همان‌گونه که از عنوان پیداست تکیه ما در این پایان‌نامه بر منابع خود اهل سنت است و منابع شیعه به عنوان مؤید به کار خواهد رفت.

پیشینه تحقیق

این روایات در منابع فراوانی ذکر شده‌اند؛ برخی از مصادر مورد استفاده ما عبارتند از:

۱. صحیح بخاری
۲. صحیح مسلم
۳. مسند حنبل
۴. المستدرک علی الصحیحین
۵. الاصابه فی تمییز الصحابه
۶. جامع الأصول من أحادیث الرسول
۷. المصنف
۸. الموطأ

مآخذ مذکور، پیشینه روایات حوض هستند اما کتاب یا مقاله‌ای که به موضوع پژوهش ما پرداخته باشد؛ یافت نشد.

پرسش‌های اساسی پژوهش

۱. آیا روایات ارتداد صحابه بعد از مرگ پیامبر ﷺ، در منابع اهل سنت وجود دارد؟
۲. موضع اهل سنت نسبت به این روایات چیست؟
۳. آیا روایات ارتداد صحابه در منابع شیعه وجود دارد؟
۴. آیا این پاسخ‌ها کافی هستند یا مفهوم ارتداد چیز دیگری است؟

فرضیه‌ها یا پاسخ‌های احتمالی پژوهش

۱. آیا روایات ارتداد صحابه بعد از وفات پیامبر ﷺ در منابع اهل سنت وجود دارد؟
در کتاب‌های روایی معتبر اهل سنت این روایت بیان شده که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

- (۱) صحیح بخاری جلد ۲، صفحه ۴۹۰، حدیث ۳۴۴۷، المطبوعه السلفیه
 - (۲) همان، جلد ۶، صفحه ۱۰۴، حدیث ۲۳۶۷، المطبوعه السلفیه
 - (۳) همان، جلد ۸، صفحه ۱۲۱، حدیث ۶۵۸۵، المطبوعه السلفیه
 - (۴) همان، جلد ۹، صفحه ۴۶، حدیث ۷۰۴۸، المطبوعه السلفیه
 - (۵) المستدرک علی الصحیحین، جلد ۴، صفحه ۷، حدیث ۶۷۱۷، دارالکتب العلمیه
 - (۶) البدایه و النهایه، جلد ۹، صفحه ۴۲۲، للطباعه و النشر و التوزیع والاعلان
 - (۷) الاصابه فی تمییز الصحابه، جلد ۴، صفحه ۱۶۷، المكتبه ابن تیمیه
 - (۸) صحیح مسلم، کتاب الطهاره، حدیث ۲۴۹
۲. موضع اهل سنت نسبت به این روایات چیست؟

پاسخ اصلی آن‌ها این است که روایات مذکور در باره مرتدان زمان ابوبکر هستند. پاسخ‌های دیگری نیز دارند از جمله این‌که؛ احادیث مذکور عام هستند و کسی را به طور خاص نام نبرده است، و عمار بن یاسر و مقداد بن اسود و ابوذر و سلمان فارسی و کسان دیگری که از دیدگاه شیعه مرتد نشده‌اند در این حدیث استثنا نشده‌اند. بلکه خود علی بن ابی طالب هم مستثنی نشده است! پس چگونه شما حدیث را مختص بعضی قرار می‌دهید و بعضی را می‌گویید که حدیث به آن‌ها تعلق ندارد؟! هر کسی که با فردی از اصحاب کینه و دشمنی داشته باشد می‌تواند ادعا کند که این حدیث در مورد همان فردی است که او نسبت به وی کینه دارد!

۳. آیا روایات ارتداد صحابه در منابع شیعه وجود دارد؟

پس از بررسی منابع و کتب معتبر شیعه به این نتیجه می‌رسیم که حدیث حوض در این کتاب‌ها، همگی از منابع اهل سنت، بیان شده است. به عنوان نمونه، این حدیث در کتاب **بحار الانوار** از صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن نسائی، و جامع الاصول به تواتر معنوی نقل شده است. طبری در المسترشد روایت حوض را از صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی و سنن نسائی بیان کرده است.^۱

^۱ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۴-۲۹؛ طبری، محمد بن جریر، المسترشد، ج ۱، ص ۱۸۹

۴. آیا این پاسخها کافی هستند یا مفهوم ارتداد چیز دیگری است؟

پاسخهای اهل سنت کافی نیستند و مراد از مرتدان نیز اگر چه لزوما مرتد به حکم ظاهری نیست؛ اما کسانی که با علم و عمد؛ ولایت را انکار کرده‌اند هستند.

ضرورت پژوهش و هدف

نظر به آن که وحدت واقعی شیعه و سنی جز در پرتو شناخت حقیقی عقاید آنان میسر نیست و بزرگ‌ترین اشکالی که اهل سنت بر شیعه می‌گیرند دور شدن از جماعت و صحابه است، بر آن شدیم که موضوع ارتداد صحابه را از طریق خود اهل سنت پیگیری کنیم. زیرا این موضوع در روایات اهل سنت وجود دارد و بررسی آن کمکی است برای رفع ابهام از طرفین اهل سنت و شیعه.

روش انجام پژوهش

روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و روش پژوهش بررسی تحلیلی و نقد و اسناد می‌باشد.

ساختار و بدنه اصلی پژوهش

فصل اول: کلیات

فصل دوم: روایات ارتداد صحابه بعد از رحلت پیامبر ﷺ، در منابع فریقین

فصل سوم: آیات ارتداد در قرآن

فصل چهارم: بررسی تاریخی

فصل پنجم: ارتباط امامت و دین

محدودیت‌های پژوهش

گرچه نمی‌توان دشواری تحقیق را محدودیت پژوهش ذکر کرد؛ اما در موضوع کنونی به‌راستی چنین بوده است. برخی از کتب اهل سنت اساساً این روایات را نادیده گرفته‌اند و برخی دیگر نیز جواب‌هایی داده‌اند که ارجاعات متعدد به مسائل دیگر دارد. در هم‌آمیختگی موضوع ما با بسیاری از موضوعات کلامی؛ تفسیری؛ تاریخی؛ فقهی و روایی وجه اصلی دشواری کار بوده است.

فصل اول: کلیات

۱-۱- ارتداد و احکام آن

اصلی‌ترین مفهومی که در همه جوانب بحث کنونی کاربرد دارد؛ مفهوم ارتداد است. البته دلیل این‌که به رغم اهمیت این مفهوم؛ آن را در بحث کلیات آورده‌ایم این است که در این‌جا مصداق مرتد تعیین نمی‌شود و تنها خود ارتداد به عنوان یک مفهوم مطلق مورد بحث است در حالی‌که در موضوع ما مصداق مرتدان مورد بحث است. از این رو مفهوم مذکور در کلیات قرار گرفت.

بحث مرتد و ارتداد در کتاب‌های روایی و کتاب‌های فقهی در یک باب معین و مشخص بیان نشده به طوری که احکام مرتد در کتاب حدود و برخی در کتاب نکاح، و برخی در کتاب ارث و دیگر ابواب فقهی مطرح شده است و کتاب‌های حدیث نیز همین گونه است.

۱-۱-۱- مفهوم ارتداد

ارتداد بازگشتن شخص به راهی است که از آن آمده است و در کفر و غیر آن استفاده می‌شود. اما رده مختص کفر است و لغت ارتداد، در مورد کفر و غیر آن استعمال می‌گردد.^۱ در آیات ﴿إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ﴾^۲ و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ﴾^۳ ارتداد به معنای بازگشت از اسلام به کفر است.

«الرَّوَدَ» به کسر «رأ» اسمی از ارتداد است. «ارتد الشیء» از راه خود و دین خود برگشت. «فارتد بصیرا» یعنی پس از بینایی به بینایی برگشت. «رد عن هبته»، از بخشش خود رجوع کرد. «ردت الردة»، برگرداندن چیزی است، این کلمه مصدر «ردت الشیء» است یعنی آن چیز را برگرداندم و «رده عن وجهه یرده ردا و مردا و تردادا» یعنی آن را برگرداند و آن بنائی است که بر تکثیر دلالت می‌کند. «مرد» مانند «ردت»، و «ارتد»، مانند «رده» است. «رده عن الامر»، با مدارا او را از کاری برگرداند و منصرف ساخت. «أمر الله لا مرد له»، برگرداندنی برای امر و فرمان خدا نیست و

^۱ راغب اصفهانی، مفردات غریب القرآن، ص ۱۹۲

^۲ محمد، ۲۵

^۳ مائده، ۵۴

در قرآن آمده است: ﴿فَلَا مَرَدَّ لَهُ^۱﴾؛ قیامت روزی است که برگشتنی برایش نیست نظر ثعلب هم همین است که ﴿فَلَا مَرَدَّ لَهُ^۲﴾، روز قیامت می‌باشد چون قیامت چیزی است که برگردانده نمی‌شود. «ارتدّ عنه: تحول: متحول شد، تغییر عقیده داد»، و در قرآن کریم آمده است ﴿مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ^۳﴾، کسی که از دین خود باز گردد و اسم آن «رده» است و از همین مورد است. «الردّة عن الاسلام»، یعنی برگشتن از اسلام؛ گویند: «ارتدّ فلان عن دینه، اذا كفر بعد اسلامه»، فلانی از دینش برگشت، زمانی که بعد از مسلمانی اش کافر شد^۴.

«رده الی بینه»، او را به خانه اش برگرداند، «الردّة»، رد کردن، قبول نکردن چیزی و پس دادن آن «الردّه»، به حال اول بازگشتن، برگشتن از دین اسلام، اهل الردّه: کسانی که بعد از رحلت پیامبر اسلام ﷺ از اسلام سر برتافتند^۵.

۱-۱-۲- تعریف اصطلاحی ارتداد

از نظر شیعه در اصطلاح فقه منظور از ارتداد برگشتن از اسلام است و گرویدن به آن و این یا با انکار یکی از اصول سه‌گانه دین اسلام یعنی توحید و نبوت و معاد صورت می‌گیرد، یا با انکار یکی از ضروریات دین اسلام به شرط آنکه به انکار یکی از اصول سه‌گانه دین اسلام منجر گردد^۶. مذاهب فقهی چهارگانه اهل تسنن در تعریف ارتداد تعابیر گوناگونی دارند؛ حنفیه و مالکیه در تعریف ارتداد گفته‌اند: ارتداد یعنی اینکه پس از آن که انسان با اقرار به شهادتین دین اسلام را اختیار کرد و ملتزم به احکام آن دو شهادتین شد، کفر را برگزیند. شافعیّه گفته‌اند: ارتداد یعنی بریدن از اسلام با نیت یا سخن یا کار کفرآمیز^۷. تعریفی که حنفیه و حنابله برای ارتداد بیان کرده‌اند با تعریفی که امامیه از ارتداد ارائه می‌دهد تضادی ندارد.

^۱ رعد، ۱۱

^۲ رعد، ۱۱

^۳ مائده، ۵۴

^۴ شرتونی لبنانی، سعید، اقرب الموارد، ج ۱، ص ۳۹۸

^۵ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۱۷۲

^۶ جبعی عاملی، الروضه البهیه فی شرح لمعه الدمشقیه، ج ۲، ص ۳۳۵-۳۳۳

^۷ مجموعه اساتید فقه اسلامی موسوعه الفقه الاسلامی المقارن، ج ۴، ص ۲۶۲

منظور از انکار ضروری دین آن است که آنچه همه‌ی مسلمانان آن را حرام می‌دانند، مثل شرب خمر و خوردن خوک، حلال دانسته شود و آنچه همه‌ی مسلمانان آن را واجب می‌دانند، مثل نماز و روزه و زکات انکار شود.

۱-۱-۳- اقسام ارتداد

فقه‌های شیعه بر عکس فقهای اهل سنت، معتقدند که ارتداد به دو قسم مَلّی و فطری تقسیم می‌شود. در این خصوص آمده که مرتد یا فطری است یا مَلّی؛ فطری کسی است که از پدر و مادر مسلمان یا یکی از آن دو متولد شود و بر وصف اسلام بالغ شود؛ به این معنی که از زمان ولادت تا حین بلوغ حکم به کفر وی نشده باشد. ولی جماعتی همان انعقاد نطفه را در حین اسلام یکی از ابویین، کافی دانسته‌اند، دوم، مرتد مَلّی است و آن کسی است که کافر بوده و قبول اسلام نموده و بعد برگشته است یا به انکار اصل اسلام یا انکار امر ضروری آن.^۱

بعضی در تعریف مرتد مَلّی و فطری گفته‌اند: مرتد فطری مرتدی است که هنگام بسته شدن نطفه‌ی او لاقل یکی از والدین او مسلمان بوده است. مرتد مَلّی مرتدی است که هنگام بسته شدن نطفه‌ی او والدین او کافر بوده‌اند.^۲ با توجه به این که اهل سنت، تقسیم ارتداد به دو نوع مَلّی و فطری را قبول ندارند، برای هر دو حکم یکسانی را بیان می‌کنند.

۱-۱-۴- راه‌های اثبات ارتداد

مذاهب فقهی پنج‌گانه‌ی امامیه و اهل سنت ارتداد را از طریق دو شاهد مرد عادل قابل اثبات می‌دانند. اما مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت معتقدند که اتفاق شاهد‌ها در آنچه که به آن گواهی می‌دهند ضروری است، مثلاً هر گاه هر دو شاهد بگویند فلانی کافر شده و قاضی بپرسد که دلیل کفر وی چیست؟ هر دو شاهد بگویند وی فلان سخن را بر زبان آورده یا فلان کار را انجام داده است.^۳ به نظر اهل سنت اگر از طریق بینه و شاهد اثبات شود که شخصی کاری که

^۱ فیض، علی‌رضا، مهذب، علی، ترجمه‌ی لمعه‌ی شهید اول، ج ۲، ص ۲۱۴

^۲ فیض، علی‌رضا، مبادی فقه و اصول، ص ۳۶۷

^۳ آغروی، سید محمد و دیگران، الفقه علی المذاهب الاربعه تألیف عبدالرحمن الجریری و مذهب اهل البیت، ج ۵، ص ۶۴۰